



سنت و سیاست در اسلام

نگارش: دکتر همایون همتی



BP

۲۳۲/۶۷

۸-هـ

۹س

BP
۲۳۲،۹۷
۸۵
۹۳

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



- نام کتاب: سنت و سیاست در اسلام
- نگارش: دکتر همایون همتی
- ناشر: مؤسسه انتشارات آوای نور
- چاپ اول: سال ۱۳۷۳
- چاپخانه: معراج
- تعداد: ۴۰۰۰ جلد
- کلیه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.

فهرست

۹	مقدمه:
۱۹	طرح مقدمات بحث
۲۰	جاودانگی و جهانشمولی دین اسلام
۲۹	راز جهانشمولی دین اسلام
۳۷	حکومت اسلامی و ضرورت تشکیل آن از دیدگاه اسلام
۴۴	سنت پیغمبر اکرم «ص»
۵۱	دلایل عقلی
۵۹	ویژگیها و وظایف کارگزاران حکومت اسلامی
۶۳	مفهوم تقوا
۶۴	مراتب تقوا
۶۶	روش تحصیل تقوا
۶۹	زهد و ساده‌زیستی و ترک تجمل‌پرستی
۷۲	سیره معصومان و عالمان ربانی
۷۷	اثرات معنوی ساده‌زیستی
۷۸	پست و مقام امانت است
۸۱	مسئولان و مستضعف‌گرایی

۸۴	اخلاص در کارها
۸۶	تعبد و پابندی به آداب و احکام شرعی
۷۸	نمونه گویایی از تعبد محض
۹۱	موقع شناسی، اغتنام فرصت، واقعنگری، قاطعیت
۹۳	سیاست خارجی و روابط بین الملل در اسلام
۹۴	رسالت جهانی پیامبر اسلام
۹۴	تبلیغ و گسترش اسلام
۹۷	دعوت به خیر، یک وظیفه همگانی
۹۷	تبلیغ و گسترش اسلام و وظیفه حکومت اسلامی
۹۸	مبارزه با ظلم و استکبار
۱۰۲	دوستی با کفار در حال اضطرار و تقیه
۱۰۳	پیمان همکاری و عدم تعرض با کفار
۱۰۴	پیمان صلح حدیبیه
۱۰۶	استقلال امت اسلام و رابطه با کشورهای کفر
۱۰۶	وحدت امت اسلامی
۱۰۷	نهی از ولایت و دوستی با کفار
۱۱۰	جمع‌بندی و خلاصه
۱۱۱	بیانی از علامه شهید استاد مطهری
۱۱۷	مأموریت‌های خارج از کشور و توصیه‌هایی به مسؤولان
۱۲۲	فهرست مأخذ و منابع

« وَذَكَرْتَ أَنَّكَ بُلِيتَ بِوَلَايَةِ أَهْوَا، فَسَرَّني ذَلِكَ، وَسَاءَ نِي سَاخِرُكَ بِمَا سَأَنِي مِنْ ذَلِكَ وَمَا سَرَّني. إِنَّ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى. فَأَمَّا سُورِي بِوَلَايَتِكَ، فَقُلْتُ: عَسَى أَنْ يُفَيْتَ اللَّهُ بِكَ مَلْهُوفاً مِنْ أَوْلِيَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَ يَكْسُو بِكَ عَارِيَهُمْ، وَيَقْوَى بِكَ ضَعِيفُهُمْ وَيُطْفِئَ بِكَ نَارَ الْمُخَالَفِينَ عَنْهُمْ. وَأَمَّا الَّذِي سَاءَ نِي مِنْ ذَلِكَ، فَإِنَّ أَدْنَى مَا أَخَافُ عَلَيْكَ أَنْ تَعَثُرَ بَوْلِي لَنَا فَلَا تَشْمَ رَائِحَةَ حَظِيرَةِ الْقُدُسِ »^۱

گفته بودی که همانا به استانداری اهواز مبتلا شده‌ای، این امر مرا خوشحال کرد و ناراحت. تو را خواهم گفت از آن چیزی که مرا آزد و آنچه خوشحال کرد این شاء الله. اما، (اگر از دلیل) شادی من از به ولایت رسیدن خود (پیرسی)، گویم: شاید (خداوند تعالی) به وسیله تو ستم‌دیده ترسانی از اولیای آل محمد "ص" را دادرسی فرماید، خوار آنها را عزیز کند و برهنه آنان را بپوشاند، ضعیفشان را قوی فرماید و آتش ستم مخالفان ولایت را خاموش کند. اما آنچه مرا از به ولایت رسیدن تو آزد، همانا کمترین ترسی است که برای تو دارم این است که مبادا به سبب ظلم به یکی از دوستان ما بلغزی و در نتیجه هرگز بوی بهشت به مشامت نرسد.

۱ - بخشی از نامه امام صادق "ع" به یکی از یارانش "نجاشی" که از ایشان درخواست راهنمایی کرده بود.

مقدمه:

رساله حاضر در اصل بنا به پیشنهاد و درخواست برخی از برادران متعهد و مسئولان بلند پایه کشور به رشته تحریر درآمده و پاسخی به یکی از نیازهای بنیادین و ملموس جامعه انقلابی ماست که اکنون با افزایشها و پیرایشهای بسیار در دسترس شما خواننده گرامی قرار می گیرد.

پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی در کشور عزیزمان پرسشهای فراوانی را جمع به نظام حکومتی، اقتصادی، تربیتی و آموزشی اسلام، و نیز دیدگاه این مکتب در پیرامون مسایل اجتماعی و سیاسی و راه‌حلهایی که اسلام برای حل مشکلات و معضلات کنونی زندگی بشر و خروج از بن‌بستهای گوناگون اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اخلاقی ارائه می‌دهد ایجاد کرده است. البته تمامی این پرسشها و توقعات و انتظارات، بجا و مناسب است، زیرا دین اسلام نظامی جامع، کامل و فراگیر است که به تمام ابعاد زندگی بشر عنایت داشته و برای جمیع زوایای زندگی انسان طرح و دستور و برنامه دارد.

اسلام دینی است که در تمام مسایل مربوط به زندگی فردی و اجتماعی بشر دارای دیدگاه و نظر مستقل و مشخص است و در تمام نقاط زندگی آدمی دخالت کرده و دستورات زندگی‌ساز و تکامل بخش و سعادت‌آفرین

ارائه داده است و در عین حال که هیچ نکته‌ای را در خصوص نیل بشر به کمال حقیقی و سعادت واقعی فروگذار نکرده، دینی است پویا و متحول که با اجتهاد دایمی و مستمر توان برخورد و پاسخگویی با مسایل و مشکلات جدید زندگی بشر را نیز در خود دارد و به هیچ روی از مواجهه با مشکلات و سؤالات عاجز و درمانده نیست و همین نیز یکی از رموز جاودانگی و دوام و استمرار این دین مقدس است.

گفتیم که پس از پیروزی انقلاب و به میدان آمدن اسلام، از سوی دوستان و خیراندیشان، گرایش و اشتیاقی، از سرِ ضرورت و نه از روی تفنّن و هوس، به دانستن دیدگاههای اسلامی پیرامون مسایل عمده و سرنوشت ساز جامعه ابراز می‌شد. دشمنان و بدخواهان و غرض ورزان نیز القای شبهه کرده و سؤالات انحرافی و غیر لازم و ابهام برانگیز مطرح نمودند.

اکنون مجال بحث در این خصوص نیست که آیا به همه این سؤالات و نیازهای فکری که زاینده تحول و لازمه یک جامعه انقلابی بود، پاسخهای مناسب و درخور داده شد یا نه، چنانکه فرصت دسته بندی و طرح دقیق تمامی آن پرسشهای اساسی نیز حاصل نیست.^۱

۱ - برادران عزیز روحانی و عالمان متعهد اسلامی باید بدانند که پاسداری فکری انقلاب بویژه در این فصل حساس خطرناک و روزگار خطیر و پرفتنه بیش از هرکس دیگر بر عهده آنان است و دوام و استمرار نظام نوپای اسلامی بستگی به تراوشات فکری آنان و «مدادعلماء» دارد که به قول خواجه نظام الملک وزیر با تدبیر سلجوقی که بعد از رنجش از «ملکشاه» گفته بود: «دولت آن تاج به این دوات وابسته است، هرگاه این دوات را برداری آن تاج را بردارند.» و اکنون براستی که پیوند میان انقلاب و نظام اسلامی با پاسداران فکری آن که علمای متعهد و اساتید حوزه‌ها و برادران عزیز روحانی می‌باشند، چنین است؛ پیوندی حیاتی و بنیادین که خدای ناکرده اگر گسیخته شود فرجامی شوم در انتظار نظام ما خواهد بود. فریاد درد آلود رهبری نیز



در این جا کوشش ما معطوف به طرح کلیاتی اجمالی درباره موضوع حکومت، جایگاه رهبری و مدیریت سیاسی در اسلام و درکنار آن پاره‌ای از شرایط رهبری و مسؤولان و مدیران یک نظام اسلامی است. البته هر یک از این بحثهای گسترده می‌تواند موضوع و محور نگارش رساله‌ای مستقل باشد اما نیازهای فوری و ضرورتهای شدید و ملموس روزافزون جامعه پس از انقلاب ما گاه عرصه را بر محققان تنگ کرده و مجال بسط و تفصیل مطالب را از آنان می‌ستاند. مشکلات عرضه افکار و کمبود ابزار چاپ و انتشارات نیز همچنان برجاست.

سوگمندانه باید گفت که در سالهای پس از پیروزی انقلاب، محققان و اندیشمندان متعهد ما با مشکلات فراونی برای چاپ و نشر آثار خود مواجه بوده‌اند. از برخوردهای غیر اخلاقی و سودپرستانه و بازاری برخی نائشان گرفته تا کمبود کاغذ و ابزار چاپ و مقررات نامناسب و یکسویه و دلت و پاگیر، همه عواملی بوده‌اند که موجب دلسردی صاحبان اندیشه برای تألیف و پدید آوردن آثار سودمند علمی و فکری و ارائه محصول

همواره متوجه مسئولیت خطیر و مقدس علما و حوزه‌هاست.

حوزه‌ها همواره کانون اصلی اسلامشناسی و عرضه اصیل و راستین اسلام بوده و هستند. روحانیان عالقدر ما مبدا در اثر غرق شدن در کارهای اجرایی و اداری این وظیفه سنگین و مقدس خویش را از یاد ببرند. پاسدار اصالتهای اسلام در طول تاریخ همواره روحانیت بوده و هست، این یک شعار نیست و صاحب این قلم نیز اهل شعار نیست، بلکه یک واقعیت انکارناپذیر تاریخی را بازگو می‌کند. امروز چشم مستضعفان جهان به ایران اسلامی دوخته است تا از این زمزم هدایت جرعه گوارایی به آن تشنگان جهلزده برسد و کامشان را سیراب کرده و عطشان را فرونشاند. صدها مسأله اقتصادی، حقوقی، فرهنگی، فکری، سیاسی و زمینه‌های بکر و دست نخورده‌ای برای تحقیق و کاوش وجود دارد که هیچکس همچون روحانیان اصیل و متعهد اسلام و عالمان ربّانی و مدرّسان بزرگ حوزه‌های علمیه اهلیت و شایستگی پرداختن به آنها را ندارد. امیدواریم روحانیان عزیزی که وارث پیامبرانند فرصت و فراغت کافی برای تحقیق و تتبع دارند به این مهم پردازند و مسئولیت مهم خویش را بخوبی ادا کنند، ان شاء الله.

اندیشه و قلم خویش به جامعه می‌شده‌است.

برای نمونه همین رسالهٔ موجز در سال ۱۳۶۵ نگارش یافت، اما با اندوه فراوان باید گفت که پاره‌ای از عوامل یاد شده سبب شد تا نشر آن به تعویق افتد و نگارنده که در این سالها سخت مشغول تکمیل تحصیلات خود در دورهٔ دکتری بود و مجالی برای پیگیری و مراجعهٔ مکرر به ناشران و ائتلاف وقت در مراجعات اداری نداشت مأیوسانه همچون برخی از دیگر تألیفات خود از انتشار آن چشمپوشی کرد و این رساله به همراه چند اثر دیگر که آنها نیز جملگی محصول همان ایام بودند همچنان در گوشهٔ کتابخانه او به صورت دست‌نوشته باقی ماند.

شگفتا با این فضای یأس آلود فرهنگی و محیط افسرده و بی‌نشاط دانشگاهی که رهبر گراندقدر ما نیز اخیراً بصراحت، ناخرسندی خویش را از آن ابراز فرمودند چگونه می‌خواهیم به مقابله با هجوم فرهنگی دشمنان برخیزیم؟! ما که هنوز ابزار نشر آثار اندیشمندان کشور را چنانکه سزاوار است فراهم نساخته‌ایم و برای آنان آسودگی و فراغت خاطری که شایستهٔ آنند به وجود نیاورده‌ایم و آنگونه که لازم است در عمل و واقعیت - نه در مصاحبه و سخنرانی - از آنان حمایت جدی نکرده‌ایم چگونه توقع داریم که این قشر عظیم اندیشه‌زا در مقابل تهاجم فرهنگی بسیج شوند؟ این وضع اگر ادامه یابد برای فرهنگ این مرز و بوم فاجعه‌ای غمبار به بار خواهد آورد.

اگر براستی از هجوم فرهنگی دشمن نگرانیم باید به بررسی علل رکود فرهنگی کنونی جامعه و در حقیقت به عوامل داخلی این هجوم و چگونه می‌شود که فرهنگی مورد هجوم قرار می‌گیرد و نیز عوامل ایستایی و نفوذ پذیری فرهنگی بپردازیم آیا می‌توان بر فرهنگی پویا بالنده، شکوفا و بانشاط هجوم برد؟ همهٔ این نکات شایستهٔ تأمل جدی و پژوهش دقیق

علمیند که در این مجال نمی‌توان بدانها پرداخت.

باری، سخن در سرگذشت این رساله بود و اینکه برخی مباحث آن هنوز گویای فضای سیاسی و اجتماعی سال ۶۵ است. آن هنگام آن مرشد پیر و امام عارفان هنوز دست عنایتش را از سر این امت بر نگرفته بود، هنوز یورش وحشیانهٔ دشمنان بعثی به حمایت جهانخواران بر این دیار الهی ادامه داشت و هنوز کاروانسالار هوشمند و سگانداز دلیر و باتدبیر امروزین این امت، بر صدر کرسی رهبری و مقام شامخ ولایت قرار نگرفته بود؛ فضا فضای دیگری بود و با وضع کنونی تفاوت‌های بسیاری داشت. خدا را هزاران بار سپاس که گرچه آن پیر مراد با رفتن خویش جهانی را یتیم کرد اما با تدبیر آن شاگرد برگزیده و راهدان و رهشناس که برجای آن پیر نشست، امروز بسیاری از آن مشکلات مرتفع گشته و عصر نوینی در حیات ملت ما آغاز شده و حرکت بیداری در سراسر جهان اسلام با الهام از انقلاب ما رو به رشد و گسترش است.

روش بحث ما در رسالهٔ حاضر، روشی تحلیلی و نقلی - استدلالی است. کوشیده‌ایم که در عین بهره‌وری از آرای سخته و پختهٔ فقیهان نامدار و استناد به کتاب و سنت با بیانی ساده و زودیاب مسایل را مورد طرح و بررسی قرار دهیم.

با اینکه به ژرفا و گستردگی آرا و نظرات فقهی و پاره‌ای موشکافیها و باریک‌بینی‌های سبک حوزوی نیک واقف و معترفیم اما از آنجا که مخاطبان اصلی ما تحصیلکردگان جدید و دانشجویان و روشنفکران مسلمان و مدیران و متصدیان کشورند که اغلب از فارغ‌التحصیلان دانشگاهها می‌باشند، از ورود در مباحث اصطلاحی و استدلالهای پیچیده و تودرتوی فقهی و تفسیری و مباحث دشوار علمی پرهیز کرده‌ایم. البته به اقتضای ماهیت بحث که ریشه‌های ستمبر فقهی دارد

کوشیده‌ایم که سخن، هر چه بیشتر مستند و مستدل و ملهم از آیات پاک قرآنی و احادیث معصومان «ع» باشد، اما رعایت اختصار و اجتناب از آوردن براهین پیچیده و دشوار فهم که نیاز به دانشی وسیع و فهمی کارشناسانه دارد نیز پیوسته در فرادید ما بوده است.

سعی نگارنده در این رساله کوتاه این بوده است تا با نثری روان و آسان فهم و زودیاب، پاره‌ای از شرایط اخلاقی و فقهی رهبری اسلامی و جایگاه مسأله حکومت در اسلام را به طور فشرده توضیح دهد و در این راه از رهنمودهای قرآنی و هدایت‌های اهل بیت عصمت و طهارت «ع» که بیان‌گویای وحی و ترجمان کلام خدا و سرمشق راه رشد و کمالند بهره‌جسته است.

اما بحث "ولایت فقیه" که تئوری سیاسی نظام اسلامی کشور ماست از دیدگاه فلسفه سیاسی و به نحو مقایسه‌ای و نیز بحث در جزئیات و تفصیل این تز و التفات به جنبه‌های اجرایی آن و پاسخ به مشکلات و موانعی که احیاناً در راه تحقق کامل آن وجود دارد و ایرادات و اشکالاتی که مخالفان آن مطرح ساخته و می‌سازند نیازمند رساله‌ای مبسوط است که اگر حضرت حق - جل و علا - توفیق فرماید در آینده به آن خواهیم پرداخت.

حقیقت امر این است که فیلسوفان و متفکران ما - جز فارابی و ابن خلدون که در این زمینه شاخص و نمونه‌اند - به بحث سیاسی و فلسفه سیاسی نپرداخته‌اند و در آثار آنان جز پاره‌ای موارد در ذیل بحث نبوت یا امامت آن هم به گونه‌ای غیر مستقیم و استطرادی مطلب قابل ملاحظه‌ای مشاهده نمی‌شود. فقیهان ما نیز در گذشته کمتر به بحث سیاست و حکومت پرداخته‌اند و تنها به تناسب بحث از حدود اختیارات فقیه در ابواب پراکنده علم فقه سخنی بغایت مختصر در این خصوص گفته و از

کنار آن گذشته‌اند و این بحث ارزنده و پراهمیت به عنوان یک باب یا فصل یا کتابی فقهی و به صورت یک نظریه مدون با جمیع فروع و نتایجش در میان فقیهان پیشین مطرح نبوده است، گرچه عموم فقیهان اصل ولایت فقیه را به عنوان یک اصل مبنایی و مسلم و تردید ناپذیر باور داشته‌اند و به همین سبب از اختیارات فقیه در عصر غیبت سخن گفته‌اند.

آنچه بدان سخت نیازمندیم طرح تز "ولایت فقیه" به عنوان فلسفه سیاسی اسلام و مقایسه آن با سایر مکاتب فلسفه سیاسی^۱ و در کنار آن بررسی این تز از دیدگاه جامعه‌شناسی سیاسی، حقوق بین‌الملل، علم مدیریت و علم سیاست است^۲. توجه به پیامدهای عملی و اجرایی این تز و نحوه انطباق آن با فرهنگ جوامع اسلامی نیز از ضرورت‌های فوری پژوهشی ماست. توجیه‌پذیر نیست سیاسیت‌ترین دین جهان است و بیشترین احکام را در مورد امور سیاسی و اجتماعی دارد و هرگز به یک رشته عبادت‌های فردی منحصر نمی‌شود، فلسفه سیاسی مدونی نداشته‌باشد. بنابراین باید هر چه سریعتر به جبران این نقص و رفع این کمبود و کاستی برخیزیم.

این نکته نیز شایسته تأمل است که درسهای خارج فقه در حوزه‌ها هر

1 - Political Philosophy

۲ - برای آگاهی از دانشهای یاد شده بویژه برخی از مکاتب فلسفه سیاسی بنگرید به:
الف - کلیات فلسفه، ریچارد پاپکین و آوروام استرول، ترجمه دکتر سید جلال‌الدین مجتبی، انتشارات دانشگاه تهران.

ب - فلسفه سیاسی، آنتونی کوینتن، ترجمه مرتضی اسعدی، انتشارات الهدی.

ج - خداوندان اندیشه سیاسی، انتشارات امیرکبیر.

د - جامعه‌شناسی ماکس وبر، ژولین فروند، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، انتشارات راین،

ه - قدرت، برتراند راسل، ترجمه نجف دریابندری، انتشارات خوارزمی.

ی - افسانه دولت، ارنست کاسیرر، ترجمه نجف دریابندری، انتشارات خوارزمی.

چند عمیق و جامع و مستدل باشد این رخنه را نمی‌پوشاند. باید از کاوشهای فقهی حوزویان بهره‌گرفت اما به سبک آکادمیک و دانشگاهی و روزآمد، این تئوری ژرف و سرنوشت ساز را به محافل علمی داخل و خارج عرضه کرد. البته کاوشها نباید محدود به تئوری ولایت فقیه باشد، بلکه تحلیل مفاهیم و مقولات سیاسی و تبیین دقیق و منطقی آنها نیز از امور ضروری است.^۱

این کار باید توسط گروهی از محققان حوزه و دانشگاه و با همکاری علمی دوجانبه صورت پذیرد. این خود یکی از موارد تحقق وحدت و همکاری حوزه و دانشگاه است. نباید گذاشت تا این گونه مباحث ارزنده و عمیق در کنج حجره‌های طلبگی محصور بماند یا محدود به محیط حوزه‌های علمیه باشد؛ این اندیشه‌های ارزشمند را باید با روشهای جدید دانشگاهی تثریزه و مدون ساخت و به جهان عرضه کرد.

حرکت اسلامی روبه رشد در روزگار ما که در سراسر جهان با الهام از انقلاب اسلامی و رهبری قدرتمند و معنوی نظام مقدس ما حضوری ملموس و انکارناپذیر دارد، بیش از همیشه محتاج تدوین یک فلسفه سیاسی جامع و مستدل و علمی و قابل دفاع و مبتکرانه است. این نیاز مبرم مبارزان مسلمان در هر گوشه جهان است که از حیث تئوریک و نگرش و اندیشه تجهیز و تقویت شوند تا در صفوفی فشرده‌تر و با عزمی

۱ - مقصود از تحلیل مفاهیم سیاسی، تنقیح و توضیح مفاهیم و مقولاتی مانند آزادی، عدل، برابری، استقلال، امنیت، حاکمیت، مشروعیت، استدلال سیاسی، رفاه، دموکراسی، الزام سیاسی، قانون، دولت، جامعه و تصوّراتی مشابه اینهاست که در فلسفه سیاسی مورد بحث قرار می‌گیرند و ما بشدت محتاج طرح و تدوین و تبیین این گونه مفاهیم در جامعه خود هستیم و ریشه برخی از نزاعهای فکری جاری در جامعه ما در واقع به اختلاف دیدگاهها در مورد همین مفاهیم و به عبارت درست‌تر به ابهام موجود در این مفاهیم برمی‌گردد و تا زمانی که به اتخاذ دیدگاهی واضح و روشن درباره این گونه مقولات سیاسی توفیق نیابیم آن نزاعها را باید همچنان انتظار کشید.

راسختر در برابر جهانخواران و مستکبران بایستند. امروز ادای این رسالت و انجام این مطلوب بیش از هر جا و هر کس دیگر بر عهده ایران اسلامی و حوزه‌های مقدس علمی ما و بر عهده عالمان دینی و کاوشگرانی است که عمر خود را در تحقق و پژوهش پیرامون معارف اسلامی مصروف می‌کنند.

با توضیحات فوق موضوع و محور بحث رساله حاضر تا حدودی آشکار شد، ولی برای روشن ساختن بیشتر و افزونتر ذهن خوانندگان اشاره به چند نکته را در این پیشگفتار ضروری می‌دانیم:

موضوع کتاب حاضر

موضوع کتاب بیش از هر چیز بحثی دارد بحثی در پیرامون «مدیریت اسلامی» یا «اخلاق کارگزاران و وظایف مسئولان از دیدگاه اسلام» و یا «تقوای اداری و شغلی» است. بنابراین بحث ما از یکسو مربوط به علم مدیریت است که در جهان امروز بویژه در جوامع غربی بشدت مورد اعتناست، از سوی دیگر مربوط به «علم اخلاق» و ارزشها و الگوهای رفتاری اسلام است. باید افزود که بحث حاضر جنبه‌های عمیق و دقیق فقهی نیز دارد و از این جهت به پاره‌ای از مسائل فقهی و «علم فقه» مربوط می‌شود.

پس بحث حاضر دارای جهات گوناگونی است ولی در همین آغاز اشاره می‌کنیم که در این نوشتار تنها بُعد فقهی و اخلاقی مسأله مورد کاوش و بررسی قرار می‌گیرد و به هیچ وجه در مباحث «علم مدیریت» و تئوریهای ارائه شده و نقل اقوال کارشناسان فن مدیریت و بحثهایی از این قبیل وارد نمی‌شود، گرچه منکر ضرورت و اهمیت طرح و نقد آن مباحث هم نیستیم ولی چنانکه گفته‌اند: «لکلّ مقام مقال»، هر چیز بایستی در جای مناسب خویش طرح شود. آنچه که از ما خواسته شده است تا به طرح آن پردازیم بیشتر توضیح دیدگاه شرع و موازین اخلاق اسلامی در

خصوص مسأله تقوای اداری و شغلی است نه ورود در بحثهای آکادمیک و علمی محض، که اغلب اثر عملی و اخلاقی چندانی به همراه ندارد. در پایان این مقدمه از حضرت آفریدگار برای همه مسئولان و متصدیان دلسوز و با اخلاص و همه کارگزاران مسلمان و خیر اندیش که از سر اعتقاد، دانش و توان خود را در خدمت مردم و این نظام مقدس قرار داده‌اند و به سربلندی اسلام می‌اندیشند و از خودکامگی و خودپرستی و تعلقات رهیده و با تعهد و دردمندی، عاشقانه به این ملت فداکار و نجیب یاری می‌دهند، آرزوی توفیق افزونتر و اخلاص و تعهد و بینش ژرفتر می‌کنم.

همچنین از درگاه بی‌نیاز حضرت احدیت - عزّاسمه - می‌خواهم تا روح قدسی آن امام سفرکرده و به حق پیوسته را در جوار رحمت خویش از نعمت بی‌بدیل قرب و لقاء بهره‌مند فرماید و روانهای پاک شهیدان پراچ و گرانقدر این دیار را با پیامبران و پاکان و برگزیدگان خود محشور کند و رهبر اندیشمند و وارسته و ستمسوز ما حضرت آیت‌الله خامنه‌ای «دام ظلّه‌العالی» را که منادی فضیلت و معرفت و شرف و مدافع فرهنگ اسلامی و اندیشه قرآنی است همواره در پناه حمایت خود گیرد.

وظیفه اخلاقی ایجاب می‌کند که از دوست شاعر و متعهد آقای اکبر بهداروند و دانشجوی با فضیلت و وفادار آقای محمدباقر گُل‌واری که هر دو از نیکان زمانه‌اند و در نشر این اثر نگارنده را یاری داده‌اند و نیز از همکاری و همراهی مسئولان متعهد انتشارات آوای نور که با واقعبینی و بلندنظری و زمان‌شناسی خود، زحمت نشر این اثر را بر عهده گرفتند سپاسگزاری نموده و از خدای بزرگ توفیق ادامه این گونه خدمات فرهنگی را برای آنان مسألت می‌کنم.

دکتر همایون همتی

دی ماه ۱۳۷۲

- ۱۹ - مجموعه معارفی از قرآن جلد ۲، استاد محمد تقی مصباح یزدی
- ۲۰ - سیری در نهج البلاغه، استاد شهید علامه مطهری
- ۲۱ - نشریه نور علم (شماره های مختلف)
- ۲۲ - نشریه حوزه (شماره های مختلف)
- ۲۳ - شرح منار السائرين، محسن بیضا
- ۲۴ - جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، شیخ محمد حسن نجفی
- ۲۵ - شرایع الاسلام، محقق حلی
- ۲۶ - حکومت اسلامی، امام خمینی (س)
- ۲۷ - کتاب البیع، امام خمینی (س)
- ۲۸ - بحار الأنوار، علامه مجلسی
- ۲۹ - أوصاف الأشراف، خواجه نصیر طوسی
- ۳۰ - جامع السعادات، ملا مهدی نراقی
- ۳۱ - جواهر الأخبار، محمد بن یحیی الصعدي
- ۳۲ - وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی
- ۳۳ - المواقف، قاضی عضد ایجی
- ۳۴ - عائم الاسلام، قاضی نعمان معزی
- ۳۵ - شرح النیل، محمد بن یوسف اطمینش
- ۳۶ - صحیح بخاری
- ۳۷ - صحیح مسلم
- ۳۸ - سیره ابن هشام
- ۳۹ - الدعوة إلى الاسلام، سرتوماس آرنولد
- ۴۰ - شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید
- ۴۱ - البدار الزاهر، آیت الله منتظری
- ۴۲ - المختلف، علامه حلی
- ۴۳ - مسالک الافهام، شهید ثانی
- ۴۴ - مفاتیح الشرایع، فیض کاشانی
- ۴۵ - مبانی تکملة المنهاج، آیه الله خوئی

فهرست مأخذ و منابع

مأخذ و منابعی که در نگارش کتاب حاضر، به طور مستقیم یا غیر مستقیم، مورد استفاده قرار گرفته اند:

- ۱ - نهج البلاغه، ترجمه اسد الله مبشری
- ۲ - شرح نهج البلاغه، زیر نظر ناصر مکارم شیرازی
- ۳ - دولت اسلامی، عبدالهادی الفضلی
- ۴ - تفسیر المیزان، علامه سید محمد حسین طباطبایی
- ۵ - تفسیر نمونه، زیر نظر ناصر مکارم شیرازی
- ۶ - کتاب حج (مجموعه مقالات)، جمعی از صاحب نظران
- ۷ - حقوق اقلیتها، عباسعلی عمید زنجانی
- ۸ - مبانی حکومت اسلامی، جعفر سبحانی
- ۹ - اصول کافی، محدث کلینی
- ۱۰ - درسهای از نهج البلاغه، آیت اله محمد فاضل لنکرانی
- ۱۱ - ولایات و ولایتها، استاد شهید مرتضی مطهری
- ۱۲ - اخلاق فرماندهی، استاد حسین مظاهری
- ۱۳ - طبقات ابن سعد، ترجمه دکتر دامغانی
- ۱۴ - وثائق، دکتر محمد حمید الله
- ۱۵ - اخلاق کارگزاران در حکومت اسلامی، حضرت آیه اله عبدالله جوادی آملی
- ۱۶ - لب لباب مثنوی، ملاحسین کاشفی
- ۱۷ - سیاست و مدیریت از دیدگاه امام علی (ع)، محمد تقی رهبر
- ۱۸ - دیباجه ای بر مدیریت اسلامی، عبدالمجید رشید پور

دانشگاه امام صادق (ع)
کتابخانه مرکزی



F56563

هفتی، همایون

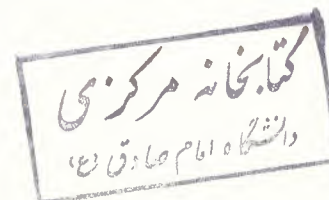
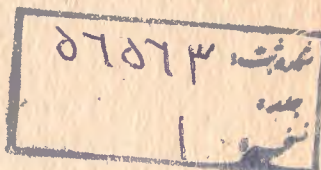
BP

۲۳۲، ۶۷

۹ اس ۸۵ هـ

سنت و سیاست در اسلام

تاریخ



ت در اسلام

۴۶ - سید سراج بیاض، بیاض، وزارت

ارشاد اسلامی

۴۷ - آیین کشورداری از دیدگاه امام علی (ع)، آیه الله فاضل لنکرانی، دفتر نشر

فرهنگ اسلامی

۴۸ - سفینه البحار، حاج شیخ عباس قمی ۲ جلد

۴۹ - فرورالحکم و دورالحکم، سیف دین آمری، ۷ جلد، انتشارات دانشگاه

تهران

۵۰ - میزان الحکمة، محمدی ری شهری، ۱۰ جلد، انتشارات جامعه مدرسین

قم

۵۱ - زندگانی شیخ انصاری، تألیف مرتضی انصاری

۵۲ - زئی طلبگی

۵۳ - الحیاء، محمد رضا حکیمی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی

۵۴ - تفسیر مجمع البیان

۵۵ - کیمیای سعادت، غزالی، تصحیح احمد آرام

۵۶ - بنیادهای اخلاق اسلامی، تألیف سید عبدالله شبّر

۵۷ - تاریخ پیامبر اسلام، دکتر محمد ابراهیم آیتی، انتشارات دانشگاه تهران

۵۸ - تاریخ تحلیلی اسلام، تألیف دکتر سید جعفر شهیدی، انتشارات مرکز نشر

دانشگاهی



مؤسسه انتشارات آوازی نور

تهران صندوق پستی ۱۱۳۶۵/۳۶۶۶

تلفن: ۶۵۱۹۶۶۱ - ۶۵۱۹۶۶۲ فاکس: ۶۵۱۹۶۶۳

قیمت: ۱۸۰ تومان